

تحلیل تأثیر داعش بر معادلات سیاسی امنیتی خاورمیانه

دریافت مقاله: ۹۶/۷/۳۰

پذیرش نهایی: ۹۶/۱۲/۱۰

DOI: 10.29252/geores.33.1.39

چکیده

یکی از مهم‌ترین پدیده‌های امنیتی عصر حاضر، ظهور و گسترش گروه تروریستی داعش در غرب آسیا و شمال آفریقا است. پدیده‌ای که تمامی تحولات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی در این منطقه را تحت تأثیر قرار داده و موضوع بررسی و مطالعه کارشناسان حوزه‌های مختلف قرار گرفته است. این مقاله درصدد بررسی تأثیرات ظهور داعش در سوریه و عراق بر معادلات سیاسی امنیتی و تحولات قدرت در خاورمیانه است. با توجه به نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک، متغیر ثابت این پژوهش، داعش و متغیر وابسته آن تحولات قدرت در منطقه خاورمیانه در نظر گرفته شده است. روش تحقیق این مقاله «توصیفی-تحلیلی» است. مطالب جمع‌آوری شده با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی در قالب جداول به صورت کمی نشان داده می‌شوند و سپس بر مبنای چهارچوب نظری پژوهش مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در این پژوهش ابعاد مختلف نقش داعش در تحولات خاورمیانه مورد بررسی قرار گرفته است. از دیدگاه نوشتار پیش رو، اولین و مهم‌ترین پیامد ظهور گروه تروریستی داعش در غرب آسیا، «تضعیف جبهه مقاومت» در مقابل رژیم غاصب اسرائیل است. این رویداد از دو جهت بررسی شده است. اول آنکه با افزایش تعداد گروه‌های تروریستی در خاورمیانه، توان گروه‌های حامی محور مقاومت صرف مقابله با آنها می‌شود. دوم آنکه ظهور داعش موجب افزایش شکاف سنی و شیعه و اختلافات داخلی در جهان اسلام و در نهایت به نفع رژیم غاصب اسرائیل شده است. پیامد دیگر داعش «افزایش اسلام‌هراسی» در جهان است. از سویی دیگر بحران داعش موجب «تأثیرات منفی بر اقتصاد و توسعه» در منطقه شده است. بر این اساس شاهد تحلیل رفتن منابع مالی کشورهای غرب آسیا و عقب افتادن آنها از روند توسعه اقتصادی و صنعتی هستیم. در مجموع داعش باعث بوجود آمدن آسیب‌های امنیتی - اقتصادی برای همه‌ی بازیگران در منطقه خاورمیانه شده و با به چالش کشیدن نظم نسبی موجود، ریشه‌های بی‌اعتمادی در منطقه را افزایش و چشم‌انداز صلح بین بازیگران منطقه را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

واژگان کلیدی: داعش، خاورمیانه، سوریه، عراق

مقدمه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان یافتن جنگ سرد؛ سپس حمله آمریکا و متحدان آن به افغانستان و سپس عراق در طی سه دهه گذشته موجب ایجاد خلأ قدرت و شکل‌گیری زمینه برای گروه‌های افراطی شد. در میان کشورهای مانند عربستان، امارات متحده عربی، قطر برای گسترش نفوذ منطقه‌ای خود با ایران، سوریه و حزب الله لبنان که محور مقاومت علیه رژیم غاصب اسرائیل را تشکیل می‌دهند صف بندی جدیدی را ایجاد کردند. گروه اول در راستای محدود سازی نفوذ ایران به تجهیز گروه تروریستی داعش به عنوان اهرمی موثر در جهت تغییر بازی قدرت در منطقه روی آوردند. در عرصه عمل اما نتیجه آن چیزی نشد که به

دنبال آن بودند. نه تنها داعش در براندازی حکومت مستقر در سوریه و عراق نا کام ماند بلکه تاثیراتی چند جانبه را بر روی روندهای خاورمیانه گذاشت که بررسی آن‌ها ضروری می باشد. در نهایت هیچ کدام از بازیگران برنده مطلق این مناقشه نشدند و هر کدام به نحوی و میزانی متاثر از اوج گیری و سپس افول داعش در منطقه شدند. با توجه که ایران یکی از بازیگران عمده این عرصه است بررسی چگونگی تاثیر و تاثر بر روندهای خاورمیانه ضروری به نظر می رسد.

در این مقاله ابتدا چارچوب نظری بحث تبیین خواهد شد. پس از چارچوب نظری به تأثیر داعش بر افزایش اختلافات مذهبی پرداخته خواهد شد. سپس تأثیر داعش بر افزایش خشونت در منطقه خاورمیانه بررسی می شود. در نهایت به بررسی مسائلی از جمله تأثیر داعش بر گسترش اختلافات فرقه‌ای، نزدیک شدن جمهوری اسلامی ایران و روسیه در مسائل منطقه، تضعیف جبهه مقاومت اسلامی مقابل رژیم صهیونیستی و گسترش اسلام هراسی بر اثر ظهور داعش پرداخته می شود.

روش تحقیق

پژوهش پیش رو تحقیقی از نظر هدف، « کاربردی » و از نظر روش، « توصیفی-تحلیلی » است. جمع آوری اطلاعات مبتنی بر اصول نظری اکتشافی به روش کتابخانه‌ای و اسنادی است. اطلاعات با مراجعه به کتب، نشریات و سایت‌های علمی مرتبط، یادداشت برداری و فیش برداری، دسته بندی و به صورت خلاصه درآمده است. در بخش‌های مختلف پژوهش حاضر از نتایج تحقیقات کمی نیز استفاده شده است. لذا تجزیه و تحلیل این پژوهش به صورت آمیخته (کمی و کیفی) می باشد.

چارچوب نظری

این مقاله در چارچوب نظریه واقع گرایی نوکلاسیک^{۶۷} است. این نظریه که به دلیل پذیرش اصولی هم چون آنارشی بودن نظام بین الملل و اهمیت خودیاری و تلاش برای بقا در چنین نظامی یکی از شاخه‌های مکتب واقع گرا محسوب می شود. به علت آن که واقع گرایان نوکلاسیک بعضی از بینش‌های رئالیسم کلاسیک را قبول کرده‌اند، آن‌ها را کلاسیک می نامند. موضوعاتی مانند سطح تحلیل^{۶۸} سیاست بین الملل، و تأکید بر مقوله آنارشی نقطه اصلی تمایز با رئالیسم کلاسیک هست، یعنی نوکلاسیک‌ها در سطح تحلیل از سطح خرد یعنی دولت ملی رئالیسم کلاسیک فراتر می روند (سیف زاده، ۱۳۸۵: ۵۸).

در تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها سطح تحلیل واحدها و بازیگران و نیز عناصری مانند ساختار دولت و روان‌شناختی نخبگان هم حائز اهمیت می باشند. به عبارت دیگر اعتقادات و باورهای تصمیم سازان به شدت بر رابطه میان قدرت نسبی و سیاست خارجی تأثیر می گذارد (Rose, 1998: 152). این مورد از کلیدی ترین تمایزات بین نواقح گرایی و واقع گرایی نوکلاسیک است. به همین جهت است که در مقایسه با نواقح گرایی، از دیدگاه نوکلاسیک‌ها در تحلیل مواردی که افکار و عقاید دینی و ایدئولوژیک صاحبان قدرت بر تصمیم‌های آن‌ها تأثیرگذار است می توان استفاده بیشتری کرد. در واقع افکار، نگرش و نظارت رهبران دینی، همچنین گروه‌های مذهبی و دولت‌هایی که بر اساس باورهای دینی عمل می کنند به نوعی قابل فهم با نظرات نوکلاسیک است زیرا این رهبران بر اساس برداشت خاص خود از دین رفتار سیاسی می کنند. نگرش‌های واقع گرایان نوکلاسیک را می توان در چند بند خلاصه کرد:

تأکید آن بر قدرت و تعریف سیاست به عنوان نزاع دائمی برای کسب قدرت بیشتر است. نگاه مثبت یا منفی به آنارشی می تواند ماهیت آن را در جهت صلح یا جنگ تعیین کند.

در کنار سطح تحلیل سیستمی ساختار بین الملل به روان‌شناختی رهبران، افکار و عقاید آن‌ها و وضعیت ساختارها و محدودیت‌های داخلی در واحدها سیاسی نیز توجه دارند. در تحلیل روابط بین الملل به دو متغیر معتقدند. متغیر مستقل که همان

⁶⁷ Neoclassical Realism

⁶⁸ Level of analysis

تحلیل تاثیر داعش بر معادلات سیاسی امنیتی خاورمیانه/۴۱

قدرت نسبی است و متغیر میانجی که شامل ساختارهای داخلی دولت‌ها و افکار و احساسات رهبران است. طرفداران واقع‌گرایی نوکلاسیک معتقدند تأثیر ساختار بر کارگزار از طریق متغیرهای میانجی است نه به‌طور مستقیم. دغدغه کشورها در وهله اول حفظ امنیت خویش است. اما برخلاف واقع‌گرایان سنتی معتقدند علاوه بر حفظ امنیت، دولت‌ها به فکر افزایش قدرت خود نیز هستند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

فشار بر جبهه مقاومت

اولین و شاید مهم‌ترین پیامد ظهور داعش که به جابه‌جایی توازن نیز منجر شود ضربه به جبهه مقاومت است. مطابق نظریات اندیشمندان واقع‌گرایی نوکلاسیک یکی از خصوصیات بازیگران عرصه بین‌الملل در کنار حفظ امنیت برای خود، افزایش قدرت است. در واقع واحدهای سیاسی سعی می‌کنند بعد از حفظ بقا به افزایش نفوذ خود در عرصه بین‌الملل بپردازند. حال اینکه برداشت رهبران کشورها از رصد شرایط پیرامونی خود و از سطح قدرت خود چطور باشد تعیین می‌کند که به سمت حفظ بقا پیش بروند یا درصدد افزایش نفوذ باشند؛ چون با توجه به نقش میانجی دولت، برداشت‌ها و ادراک‌های تصمیم‌گیرندگان اصلی جامعه در شکل‌دهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از یک‌سو و تصمیم‌گیری بر پایه آمیزه‌ای از قدرت و منافع ملی از سوی دیگر، رفتار سیاست خارجی در شرایط مختلف داخلی و بین‌المللی متفاوت خواهد بود. تلاش جمهوری اسلامی برای افزایش ارتقای نقش منطقه‌ای خود در اثر تحولات عراق، افغانستان و اکنون در قبال سوریه نمونه‌ای سیاست گسترش نفوذ منطقه‌ای است. (فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۸۶-۲۹۰) برخی از کشورهای منطقه خاورمیانه از جمله ایران، سوریه و حزب الله لبنان به دنبال مقاومت در برابر گسترش رژیم غاصب اسرائیل و ایالات متحده در خاورمیانه و در تلاش برای تحقق آزادی فلسطین هستند. این چند کشور در مجموع محور مقاومت^{۶۹} نامیده می‌شوند. این محور مقاومت با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ و سپس ایجاد و تقویت نیروی مقاومت حزب الله در لبنان و مقاومت آن در مقابل یورش‌های رژیم طی سال‌های گذشته این محور مقاومت را رسمی‌تر و بارزتر کرده است (usip.org).

از آنجاییکه اساساً ایده، اهداف، ماهیت و عملکرد گروه‌های تکفیری با محور مقاومت در تعارض است هر چه تعداد گروه‌های وهابی و تکفیری در منطقه خاورمیانه افزایش یابد و قدرت نظامی آن‌ها گسترش یابد برای محور مقاومت چالش‌هایی را به وجود می‌آورد. آن‌گونه که در جدول ۱ آمده است، سلفی‌گری تکفیری از سال ۲۰۱۱، نسبت به سال‌های قبل، رشد بی‌سابقه‌ای داشته است و این یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای حفظ جبهه مقاومت است.

جدول ۱- روند افزایش ایجاد گروه‌های تکفیری (۱۹۸۸-۲۰۱۲)

سال	۱۹۸۸	۱۹۹۰	۱۹۹۲	۱۹۹۴	۱۹۹۶	۱۹۹۸	۲۰۰۰	۲۰۰۲	۲۰۰۴	۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۱۰	۲۰۱۲
تعداد گروه‌های تکفیری	۳	۶	۷	۱۱	۱۳	۱۷	۲۲	۲۲	۲۴	۲۶	۲۸	۳۱	۴۸

(Jones, Seth, 2014)

پیامدهای گسترش گروه‌های تکفیری برای جبهه مقاومت به‌صورت زیر است:

⁶⁹ Axis of Resistance

شکاف در جبهه حامیان فلسطین (محور مقاومت)

نخستین پیامد بسیار مهم داعش، ایجاد شکاف میان «جبهه گسترده حامیان فلسطین» است. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، یکی از تحولات اساسی در سیاست خارجی ایران، تغییر موضع ایران نسبت به بحث فلسطین و رژیم غاصب اسرائیل بود (لشگری تفرشی، ۱۳۹۵: ۸۱) که به دنبال آن یک کمربند مقاومتی علیه این رژیم شکل گرفت و به محور مقاومت معروف است. جریان تکفیری گری داعش، نشانگر غلبه دشمن درون دینی مسلمانان بر دشمن خارجی است. تکفیری‌ها با تقسیم‌بندی دشمنان خود به «دشمنان دور» و «دشمنان نزدیک»، شیعیان و اهل تسنن غیر تکفیری را دشمنان نزدیک خود معرفی کرده و از بین بردن آنها را مأموریت نخست خود می‌دانند. پس از شکل‌گیری جنبش بیداری اسلامی، روند اقدامات گروه‌های تکفیری علیه دشمنان نزدیک نیز شدت گرفت (ناصر پور، ۱۳۹۴: ۵). یعنی شیعیه‌ها و سنی‌هایی که می‌توانستند با محوریت مبارزه با رژیم صهیونیستی با یکدیگر متحد شوند اکنون به علت جنگ داخلی دچار شکاف و چنددستگی شده‌اند و هدف مهم‌تر دنیای اسلام یعنی مبارزه با دشمن بیرونی را فراموش کرده‌اند.

تبدیل سوریه به دولت ناکام و تضعیف حاکمیت عراق

دومین پیامد ظهور داعش، تبدیل کشور سوریه به «دولت ناکام»^{۷۰} است. دولت ناکام، دولتی است که توانایی حفظ امنیت و برآوردن نیازهای مردم خود را ندارد. چنین دولت‌هایی، فرصت‌هایی را برای بازیگران خارجی مداخله‌جو و نیز کنشگران خارج از حکومت چه بنیادگرایان مذهبی، چه شهروندان ناراضی و چه فرصت‌طلبان قدرت‌طلب فراهم می‌سازند تا بکوشند دستگاه دولتی را با بهره‌گیری از ابزارهای خشونت‌آمیز قبضه کنند. (ناصر پور، ۱۳۹۴: ۵) یکی از اهداف مهم گروه‌های تکفیری، ایجاد نظام سیاسی موردنظر خویش است که از آن تحت عنوان «امارت اسلامی» یاد می‌کنند. شرط تشکیل چنین واحد سیاسی، نابود کردند دولت‌های فعلی در خاورمیانه است. در عراق وضعیت حاکمیت به وخامتی نیست که در سوریه شاهد آن هستیم. در این کشور بر اثر کاهش قدرت دولت مرکزی و مشغول شدن آن به جنگ با گروه تروریستی داعش، اقلیت‌های قومی به‌ویژه اقلیم کردستان قدرت بیشتری یافته‌اند. قدرت‌های غربی و در رأس آنها ایالات متحده نیز در این میان از جدایی‌طلبی و قدرت‌طلبی کردها حمایت کرده و با این موضع خود اوضاع یکپارچگی حاکمیت در عراق را پیچیده‌تر کرده‌اند (Bolton, 2016)

تجزیه خاورمیانه

هنگامی که یک گروه از داخل جهان اسلام تمام مسلمانان غیر از خود را کافرو مهدورالدم تلقی کند در واقع پروژه جنگ داخلی در جهان اسلام را رقم می‌زند. در این وضعیت هرچه این گروه قدرت بیشتری پیدا کند امنیت و تمامیت ارضی کشورهای اسلامی با خطر بیشتری مواجه می‌شود. اگر این وضعیت حاکم شود کشورهای خاورمیانه پس از یک جنگ فرسایشی طولانی با گروه‌های تکفیری و اقلیت‌های قومی، با کاهش منابع مادی و غیر مادی و تضعیف واحدهای سیاسی امکان تجزیه به کشورهای کوچکتر بالا می‌رود. این موضوعی است که به امنیت رژیم غاصب اسرائیل کمک می‌کند. مواجه شدن با کشورهای کوچک با مواضع مختلف راحت‌تر از مواجهه با کشورهای بزرگ و قدرتمند است. این تجزیه‌گرایی اگر در یکی از کشورهای خاورمیانه مانند عراق و سوریه شروع شود ممکن است به سایر کشورهای خاورمیانه سرایت کند زیرا بسیاری از این کشورها دارای اقلیت قومی مشابه هستند. مانند کردها که در چهار کشور سوریه، عراق، ترکیه و ایران ساکن و دارای ریشه‌های فرهنگی، نژادی و زبانی شبیه به یکدیگر هستند. در مجموع یکی از مهم‌ترین پیامدهای داعش در خاورمیانه ایجاد لایه حفاظتی برای رژیم غاصب اسرائیل است. (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۹)

⁷⁰ Failed state

نزدیک شدن ایران و روسیه به یکدیگر

یکی از پیامدهای ظهور و گسترش گروه‌های تروریستی در منطقه خاورمیانه، نزدیک شدن ایران و روسیه به علت داشتن اهداف مشترک در حفظ تمامیت ارضی کشورهای این منطقه و جلوگیری از سقوط دولت‌ها یا تجزیه کشورهای خاورمیانه است. نزدیکی ایران و روسیه به این علت است که طی چند سال گذشته با سقوط حکومت‌های خاورمیانه، ایالات متحده توانسته حضور نظامی خود را به بهانه حفظ امنیت منطقه حساس خاورمیانه افزایش دهد. نگرانی مشترک ایران و روسیه، تبدیل این روند - به‌ویژه با توجه به تجربه لیبی - به یک‌روند بین‌المللی است (کالچی، ۱۳۹۰). بارزترین نمونه مواضع مشترک دو کشور در مورد وضعیت فعلی سوریه است.

روسیه در حال حاضر گزینه نظامی را برای حفظ وضع موجود در منطقه خاورمیانه مناسب می‌بیند. تأکید بر قدرت نظامی یکی از استراتژی‌های مهم در واقع‌گرایی است. واقع‌گرایان نوکلاسیک مانند سایر واقع‌گرایان معتقدند آنا‌رشی پدیده‌ای دائمی است و نظام بین‌الملل همیشه آنا‌رشی است، اما جنگ این‌گونه نیست؛ بنابراین می‌بایست به یک متغیر ساختاری دیگر یعنی توزیع قدرت میان کشورهای عمده در یک نظام - که به سه شکل مختلف دوقطبی، چندقطبی متوازن و چندقطبی غیرمتوازن از نظر میرشایمر تقسیم می‌شوند - هم توجه کرد. در حال حاضر با فروپاشی شوروی نظام بین‌الملل از حالت دوقطبی خارج شده است و در حال پیش رفتن به سمت نظام چندقطبی نامتوازن است. نظام‌های چندقطبی نامتوازن تنش‌برانگیزترین نوع توزیع قدرت را دارند، معمولاً به این دلیل که هژمونی‌های بالقوه علیه دیگر قدرت‌ها در آن نظام وارد جنگ می‌شوند. این جنگ‌ها همواره طولانی هستند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۷۳).

ارتباط ایران و روسیه به خصوص با اشتراک نظر در سیاست خارجی دو کشور نسبت به ظهور داعش به اوج خود رسیده است. نمونه از این همکاری اجازه استفاده از پایگاه نظامی همدان برای هواپیماهای روسی است که قصد بمباران داعش را داشته باشند که این اقدام در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بی‌سابقه است (Litovkin, 2016). مهم‌ترین نقطه اشتراک ایران و روسیه در شرایط فعلی خاورمیانه در مورد چگونگی حل چالش سوریه است. تقویت مواضع نظامی سوریه، در راستای منافع ایران در تقویت سوریه در قبال تهدیدهای رژیم صهیونیستی قرار دارد (منصوری، ۱۳۹۲: ۱۷۵).

رسانه و گسترش اسلام‌هراسی در خاورمیانه

رسانه یکی از ابزارهایی است که روی ایستاهای ذهنی و روان‌شناختی رهبران کشورها موثراند. عوامل شناختی و عاطفی رهبران جزو عناصری است که واقع‌گرایان نوکلاسیک معتقدند باید به آن‌ها در تحلیل مسائل بین‌المللی توجه کرد. ساختارهای ذهنی رهبران جزو عناصر نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک است. اندیشمندان نواقع‌گرایی کلاسیک معتقدند ساختارهای بین‌المللی به‌طور مستقیم بر کارگزارها تأثیر نمی‌گذارد (www.theguardian.com). آمریکا سعی می‌کرد فقط به وضعیت خاورمیانه با ظهور داعش پردازد و اقدامی برای جلوگیری از گسترش آن انجام ندهد زیرا داعش در راستای منافع ایالات متحده و رژیم غاصب اسرائیل بود. اما زمانی که داعش اشتباه استراتژیک کرد و تصویر سربریدن خبرنگار آمریکایی را در رسانه پخش کرد دیگر آمریکا نتوانست حضور داعش را در منطقه برای افکار عمومی و دولت‌مردان منتقد سکوت ایالت متحده توجیه کند. رهبران داعش معتقدند میدان نبرد رسانه‌ای به‌اندازه میدان جنگ در موفقیتشان اهمیت دارد. شبکه تلویزیونی این گروه بانام «الحیات» برنامه‌های متنوعی از سربریدن انسان‌ها تا ترغیب جوانان جهت پیوستن به این گروه با انحاء مختلف می‌سازد و پخش (بخشی، بهاری، ۱۳۹۳: ۱۴۷) در مجموع، اسلام واقعی و مسلمانان معتدل از دو جهت در حمله رسانه‌ای و تخریب چهره هستند. از یک طرف توسط رسانه‌های غربی که با نشان دادن گروه‌های افراطی اسلامی تصویری خشن از اسلام به‌عنوان اسلام ناب به جهانیان مخابره

می‌کنند و طرف دیگر توسط گروه‌های اسلامی که با نشان دادن تصاویر غیرانسانی و خشن و نسبت دادن آن به اسلام واقعی در جهت هدف رسانه‌های غربی یعنی خشن نشان دادن دین اسلام حرکت می‌کنند.

ظهور داعش و افزایش فرقه‌گرایی

آن‌چنان که گفته شد یکی از پارامترهایی که نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک را از سایر نظریه‌های واقع‌گرایی متمایز می‌گرداند تأکید آن بر عوامل فرو ملی و فرو دولتی از جمله گروه‌های سیاسی، فرقه‌های مذهبی و اجتماعات قومیتی هست. بر این اساس در این بخش بر یکی دیگر از آثار ظهور داعش یعنی افزایش فرقه‌گرایی و رقابت‌های مذهبی در منطقه خاورمیانه پرداخته شده است. کارکرد فرقه‌گرایی در اختلاف و تفرقه، بحثی است که به روشنی وضعیت امروز خاورمیانه و کشورهای اسلامی را تشریح می‌کند. درحالی که خشونت، کشورهای اسلامی مانند عراق، سوریه و افغانستان را فراگرفته است، عداوت میان فرقه‌های گوناگون به وضوح کشورهای اسلامی در سراسر جهان را در مقابل یکدیگر قرار داده است. مناقشات سنی و شیعه که به قتل و کشتار انجامیده است، موجب گسترش بی‌ثباتی، جنگ داخلی و درگیری فرقه‌ای در خاورمیانه و ورای آن گردیده و این امر صلح، ثبات و امنیت را به خطر می‌اندازد. (مظاهری، مولایی، ۱۳۹۳) ریشه جریان‌های تکفیری، به ظاهرگرایی و اکتفا کردن به ظاهر روایات و آیات بازمی‌گردد. جریان‌های تکفیری غالباً از دل جریان ظاهرگرایی ظهور و بروز پیدا کرده‌اند. تکفیر پدیده‌ای رو به فزونی است که در صورت عدم کنترل و مهار، امکان رشد می‌یابد (Ozyurek, 2009:104)

نقش ایدئولوژی متصلب داعش را در اقدامات وحشیانه آن نمی‌توان نادیده گرفت. ایدئولوژی این گروه تروریستی به قرائت وهابی-سلفی از اسلام که در عربستان سعودی پای گرفته، نزدیکی بسیاری دارد. معتقدان به این مکتب یهودیان یا مسیحیان را به عنوان دشمن درجه یک خود نمی‌بینند، بلکه آن‌ها سایر مسلمانانی که اعتقادی به آموزه‌های افراطی آن‌ها ندارند را در صف اول تعریف خود از دشمن قرار می‌دهند. در این میان شیعیان بیش از سایر مسلمانان مورد عناد قرار گرفته‌اند. (Fulle, 2014:17) تعداد قابل توجهی از افراد نیز به تازگی به اسلام مشرف شده‌اند (Barret, 2014: 15)

اعتقادات گروه‌هایی مانند داعش، نه تنها با اعتقادات شیعه در تعارض است، بلکه به صورت غیرقابل اغماضی با اعتقادات اهل تسنن نیز تناقض دارد، به نحوی که هم بزرگان اهل تسنن و هم سران داعش نسبت به یکدیگر اعلام موضع و حتی برائت و جهاد هم کرده‌اند (نجات، ۱۳۹۴: ۱۱۶). بنابراین این گروه‌ها موجب چنددستگی میان خود اهل سنت نیز شده‌اند. در مجموع آن‌چنان که نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک می‌گوید صرف اتکای به مجموعه امنیتی منطقه و موازنه قدرت میان دولت‌های منطقه به هیچ وجه نمی‌تواند از عهده تبیین اثرات ظهور داعش بر منطقه برآید؛ بلکه شکاف‌ها و قشربندی‌های اجتماعی داخل کشورهای منطقه و در رأس آن جماعات مذهبی شیعه و سنی و تفاسیر مختلفی که از هر یک از این فرقه‌ها وجود دارد عامل بسیار مهمی است که می‌تواند در کنار عوامل سطح دولتی و ساختارهای سیاسی و ایدئولوژیک کشورها که در بخش بعد بدان پرداخته شده، نقش اساسی در تبیین رخدادها و آینده منطقه خاورمیانه داشته باشد.

افزایش اختلافات بین قدرت‌های منطقه خاورمیانه

چرا در شرایط فعلی خاورمیانه شاهد ظهور ائتلاف‌های منطقه‌ای نیستیم؟ در این راستا آن‌چنان که نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک بیان داشته است، به بررسی اهداف و رفتارهای سیاست خارجی سه قدرت منطقه‌ای (یعنی ایران، عربستان و ترکیه) که نتیجه رویارویی یا همکاری احتمالی آن‌ها، می‌تواند آینده ژئوپلیتیک خاورمیانه را رقم بزند پرداخته شده است. تقویت پایگاه داعش در عراق و سوریه و همچنین گسترش نفوذ سایر گروه‌های معارض از اسلام‌گرایان گرفته تا کردها وضعیتی را در ساحت سیاسی و ژئوپلیتیکی خاورمیانه ترتیب داده که بر هم زننده توازن قدرت در منطقه است. طبق نظر جان میرشایمر نظریه پرداز نوکلاسیک،

تحلیل تاثیر داعش بر معادلات سیاسی خاورمیانه/۴۵

کشورها هیچ‌گاه اجازه هژمونی‌های شدن را به رقبای خود نمی‌دهند و در صورت برتری یکی از طرفین برای کسب جایگاه هژمونیک، قدرت جهانی به‌عنوان تعدیل‌کننده، این روند را متوقف خواهد کرد. ظهور داعش در خاورمیانه تعدیل قوا میان سه کشور مطرح منطقه‌ای یعنی ایران، ترکیه، و عربستان را بر هم زده است. نمود اولیه این توازن را می‌توان در تغییرات ژئوپلیتیک منطقه مشاهده کرد. یکی از مؤلفه‌های نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک تأثیر ساختارهای داخلی، محدودیت‌های داخلی و دیدگاه متفاوت رهبران به موضوعات یکسان است؛ با ظهور داعش و تضعیف دولت مرکزی سوریه و عراق در چند سال اخیر، پایگاه‌های فرو ملی قومی و مذهبی در تصمیم‌گیری دولت‌مردان افزایش یافته است و ورود کشورهای منطقه و بین‌الملل در این تحولات، سبب شده تحولات روی‌داده از سوی این کنشگران، در قالب بازی با حاصل جمع صفر تفسیر شود (صالحی، مرادی نیاز، ۱۳۹۴: ۱۱۵). در مورد ایران و عربستان این نکته را باید گفت که این دو کشور، دو بازیگر کلیدی در منطقه هستند که در موارد گوناگونی از جمله عراق، سوریه و گروه تروریستی داعش به هم اختلاف‌نظر دارند. عربستان و ایران هم از لحاظ «ثقل جغرافیایی» و هم از لحاظ «اصول هویتی» به ایفای نقش جدی در منطقه می‌پردازند. از لحاظ جغرافیایی این دو کشور هم‌زمان بر مسائل سیاسی-امنیتی در زیر سیستم‌های خلیج فارس، شبه‌جزیره عربستان، شامات و شمال آفریقا و مصر تأثیرگذار هستند. از لحاظ هویتی با اتصال اصول و ارزش‌های خود به مسائل منطقه‌ای به‌خصوص هدایت جریان‌های ایدئولوژیک شیعی و سنی به ایفای نقش می‌پردازند. (برزگر، ۱۳۹۲). در جدول زیر می‌توان به‌طور خلاصه اختلافات ایران و عربستان که در بحث فوق مطرح شد را در مورد معادلات منطقه را مشاهده کرد.

جدول ۲- اختلافات ایران و عربستان در مورد معادلات منطقه در سال‌های اخیر

موضوع	موضع ایران	موضع عربستان
سوریه	حامی اسد	مخالف اسد و تجهیز کننده مخالفان از نظر مالی
عراق	موافق به قدرت رسیدن مالکی	کمک‌های مالی برای تجهیز مخالفان دولت شیعی
گروه داعش	تلاش برای مقابله با آن	حمایت از آن

به موازات این تغییر در موازنه نیروهای منطقه‌ای و در بستر گسل میان نظم امنیتی جهانی و نظم سلفی، رفته‌رفته چشم‌انداز تازه‌ای در زمینه الگوی نظم منطقه‌ای شکل گرفت که می‌توان آن را "نظم اخوانی" نامید. بازی منطقه‌ای ترکیه و قطر در دهه نخست سده بیست و یکم را می‌توان در چارچوب همین چشم‌انداز توضیح داد. این رویکرد، در ظاهر نشان از گونه‌ای دموکراسی اسلامی در داخل و پرهیز از ستیزه‌جویی در سیاست خارجی داشت که در چارچوب آن نمی‌بایست تهدیدی امنیتی متوجه رژیم غاصب اسرائیل شود و برخورد با آن از تنش لفظی فراتر رود. از سوی دیگر آنچه ترکیه و عربستان را با وجود اهداف مشترک یعنی موازنه منطقه‌ای ایران به‌عنوان دو رقیب در تحولات بهار عربی و منازعات داخلی سوریه و عراق روی در روی هم قرار داده است، رقابت بر سر گسترش ایدئولوژی اسلامی مورد حمایت خویش در دوره گذار کنونی است (نیاکویی، ۱۳۹۴: ۱۶۷). در مجموع نشان داده شد که سه قدرت منطقه‌ای یعنی ایران، عربستان و ترکیه چه از ظهور داعش چه سیاست‌هایی را در راستای نیل به اهداف سیاست خارجی خود در پیش گرفته‌اند. برای این کار از نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک بهره گرفته شد که بر اساس آن، نظریه موازنه قدرت که مورد حمایت نواقع‌گرایی هست در توضیح عدم شکل‌گیری ائتلاف در منطقه خاورمیانه هست چرا که بر اساس نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک و آن‌چنان که نشان داده شد صرف در نظر گرفتن محاسبه قدرت نسبی در شکل‌گیری ائتلاف‌ها کفایت نمی‌کند بلکه عوامل سطح واحد نیز از اهمیت خاص خود برخوردارند. از آنجایی که هر یک از قدرت‌های منطقه‌ای خاورمیانه از نظام سیاسی و ایدئولوژیک خاص خود برخوردار هست نمی‌توان انتظار شکل‌گیری ائتلاف پایداری را میان کشورهای منطقه داشت.

بحران مهاجرین، از خاورمیانه در خاورمیانه

یکی از تفاوت‌های نظریه نوکلاسیک با نظریه والتز بحث سطح تحلیل است. طرفداران مکتب نوکلاسیک معتقدند والتز با تأکید بر ساختار نظام بین‌الملل از ساختار داخلی کشورها غافل شده است. واقع‌گرایان نوکلاسیک معتقدند باید در کنار عوامل سطح نظام به عواملی مانند عقاید و عواطف رهبران و ساختار داخلی توجه کرد. همچنین معتقدند تأثیر ساختار بر کارگزار به‌طور مستقیم و بی‌واسطه نیست، بلکه گاهی این تأثیر از طریق متغیرهای میانجی و واسطه‌ها است. واقع‌گرایان نوکلاسیک واحدهای سیاسی را مانند توپ‌های بیلیارد نمی‌بینند که درون آن‌ها بی‌اهمیت باشد (Taliaferro, 2009:7). نکته جالب این است که کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای عربی تمایلی به پذیرفتن مهاجرین سوری ندارند. در بحث مهاجرین باید توجه داشت که این برداشت و انگاره ذهنی دولت‌مردان است که پذیرش یا عدم پذیرش مهاجرین را تعیین می‌کند. بحث مهاجرین سوری در خاورمیانه بسیار حائز اهمیت است. زیرا تناقضی در آن دیده می‌شود که ناشی از ناهمگونی‌ها قومی، مذهبی و عدم وجود امنیت در این منطقه است. با حوادثی که در سال‌های اخیر در خاورمیانه در حال روی دادن است گوناگونی قومی و مذهبی و جابه‌جایی جمعیت مهاجرین سوری و عراق می‌تواند بزرگ‌ترین خطر برای ثبات نقشه کشورهای خاورمیانه و روابط کشورها باشد (Gulfmigration.eu). در همین راستا اکنون ترکیه و لبنان بیشترین تعداد مهاجرین سوری در خاورمیانه دارند ولی آن‌ها نیز مشکلات خاص خود را دارند. به‌عنوان مثال ترکیه دارای قومیت‌های مختلفی مانند کردها است. در لبنان اوضاع به گونه دیگری است. لبنان دارای سه نوع جمعیت متفاوت به لحاظ مذهبی است. مسلمانان شیعه، مسلمانان سنی و مسیحیان. اگرچه جمعیت شیعیان در لبنان بزرگ‌ترین گروه مذهبی این کشور محسوب می‌شود و حدود ۴۷ درصد کل جمعیت کشور شامل می‌شود. اما سنی‌ها نیز ۲۴ درصد از جمعیت لبنان را تشکیل می‌دهند (www.theguardian.com). لبنان در صورت پذیرش تعداد زیاد سوری‌های اهل تسنن ممکن است دچار برهم خوردن این توازن شود (www.bloomberg.com). در جدول ۳ تعداد مهاجرین سوری به هریک از کشورهای خاورمیانه آمده است.

جدول ۳- تعداد مهاجرین سوری در هر یک از کشورهای خاورمیانه

نام کشور مقصد	تعداد مهاجرین سوری	منبع
ترکیه	۲۷۲۴۹۳۷	(unhcr.org)
لبنان	۱۵۰۰۰۰۰	(unhcr.org)
اردن	۱۲۶۵۰۰۰	(jordantimes.com)
عربستان	۴۲۰۰۰۰	(gulfmigration.eu)
عراق	۲۴۹۳۹۵	(data.unhcr.org)
امارات متحده	۲۴۲۰۰۰	(uae-embassy.org)
کویت	۱۵۰۰۰	(uae-embassy.org)
مصر	۱۱۷۷۰۲	(data.unhcr.org)
قطر	۴۰۰۰۰	(telegraph.co.uk)
ارمنستان	۱۷۰۰۰	(un.am)

در مجموع مهاجرین سوری کمتر از آنچه انتظارش را می‌رفت در کشورهای خاورمیانه مورد پذیرش قرار گرفتند. این امر نیز می‌تواند دلایل گوناگون مانند موضوعات تضادهای مذهبی، تحریک قومیت‌های داخلی کشورها، نگرانی رهبران کشورهای خاورمیانه به مهاجرین سوری به‌عنوان تروریست‌های بمب‌گذار و غیره داشته باشد. مجموع این‌ها نشان‌دهنده اهمیت ساختارهای درونی کشورها و تأثیرات آن‌ها بر کارگزار یعنی همان دولت‌ها است.

داعش و اقتصاد خاورمیانه

یکی دیگر از عواملی که توسط نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک مورد توجه قرار گرفته است اهمیت بسیج توانمندی‌های داخلی کشورها در راستای نیل به اهداف خود است. در همین راستا می‌توان به اهمیت بسیج توانمندی‌ها در راستای توسعه اقتصادی کشور اشاره کرد. این بخش درصدد نشان دادن این موضوع است که ظهور داعش چگونه روند بازتولید قدرت از طریق تداوم توسعه اقتصادی و همگرایی تجاری را با چالش مواجه ساخته است؟ چالش در وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی نواحی اکولوژیک و حتی کشورها تا حدود زیادی متأثر از موقعیت مکانی و شرایط جغرافیایی آنها است (اویسی، ۱۳۹۵: ۱۷۰). چالشی که می‌تواند حتی ظهور دولت‌های فروپاشیده^{۷۱} را در منطقه به دنبال داشته باشد. ایمنی و امنیت از ابتدایی‌ترین اصول جهت دستیابی به استانداردهای مطلوب برای آسایش و رفاه مردم است (شادمهری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۴) به گفته مقام‌های عراقی دولت این کشور ۴۲۰ میلیون دلار بودجه برای بازسازی خسارت‌های ناشی از جنگ با داعش اختصاص داده است، اما این مبلغ برای بازسازی تمام بخش‌های این کشور کافی نیست. طبق اعلام دولت طی سال ۲۰۱۴ تنها کاهش صادرات نفتی و همچنین خسارت‌های وارده به زیرساخت‌های صنعت نفت عراق، ۱۸ میلیارد دلار هزینه دربر داشته است. اگرچه صحنه اصلی جنگ با داعش سوریه و عراق است، اما حملات این گروه در تونس، کویت، عربستان، مصر، لیبی و یمن اقتصاد این کشورها را با بحران مواجه کرده و مانع ادامه سرمایه‌گذاری‌های خارجی در آنها شده است. طبق گزارش بانک جهانی ناامنی ناشی از درگیری با داعش و اقدامات تروریستی این گروه در دیگر کشورهای عربی باعث فرار سرمایه‌های خارجی از این کشورها شده است. علاوه بر این، کاهش تولیدات داخلی و افزایش بیکاری نیز به اقتصاد این کشورها ضربه زده است. توسعه سوریه حداقل ۴ دهه عقب‌افتاده است و از هر ۴ نفر ۳ نفر در فقر زندگی می‌کنند (Gower, Politowski, 2016: 4). در جدول ۴ تأثیر شورش گروه داعش کشورهای خاورمیانه آورده شده است. سوریه و عراق بیشترین لطمه را دیده‌اند.

جدول ۴- آثار جنگ بر کشورهای خاورمیانه

ترکیه	مصر	اردن	لبنان	عراق	سوریه	
-۱	-۱	-۱	-۱۰	-۱۲	-۱۴	اثر جنگ بر سرانه مستقیم
۰	۰	۰	-۱	-۱۲	-۶	تأثیر بر تولیدات
۰	۰	۰	۰	-۱	-۵	تخریب سرمایه‌ها
۰	۰	۰	-۱	-۲	-۱	تشدید هزینه‌های تجارت
۰	۰	-۱	۰	۰	-۱۵	اثر تحریم تجارت سوریه
-۴	-۶	-۱	-۶	-۳	-۷	تأثیر پناهندگان بر نیروی کار
-۱	-۱۶	-۲	-۱۲	-۶	-۲۰	اثرات جمعیتی پناهندگان

(lanchovichina, livanic, 2015:13)

در جدول ۴ ارقام مربوط به اثر جنگ بر درآمد سرانه مستقیم این کشورها آورده شده است. آن‌چنان که مشاهده می‌شود تحریم اقتصادی سوریه فشار فراوانی را بر اقتصاد این کشور وارد کرده، عراق زبانی بیش از سایرین در نتیجه افزایش هزینه‌های فعالیت‌های تجاری متحمل می‌گردد. حجم قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌های سوریه از میان‌رفته است و تولید کالا در عراق به شدت آسیب دیده است. تقریباً بیست درصد از صادرات اردن به عراق می‌رود و حضور داعش در مرز اردن می‌تواند منجر به بروز خشونت شود، چراکه داعش رسماً دولت اردن را تهدید کرده است. این امر می‌تواند اردن را مجبور کند تا منابع درآمد خود را روانه ارتش کند. در جدول شماره ۵ تولید ناخالص داخلی کشور سوریه بعد و قبل از اشغال بخش‌هایی از این کشور به دست گروه‌های تروریستی

⁷¹ failed state

مشخص است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود روند نزولی رشد ناخالص داخلی در این کشور با قدرت گرفتن تروریست‌ها و اشغال بخش‌های حیاتی این کشور مانند چاه‌های نفت و پالایشگاه‌ها نزولی‌تر شده است.

جدول ۵- درصد رشد ناخالص داخلی سوریه (۲۰۱۴-۲۰۰۶)

سال	۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۱۰	۲۰۱۲	۲۰۱۴
نرخ رشد	۶	۵	۴	-۱۱	-۱۲

(<https://www.quandl.com/collections/iraqiraq-economy-data>)

در مجموع جنگ و به دنبال آن ظهور داعش هزینه‌های انسانی، اجتماعی و اقتصادی فراوانی را بر کشورهای منطقه تحمیل نموده و با متوقف سازی فرایند همگرایی تجاری، آینده توسعه اقتصادی این کشورها را به مخاطره افکنده است (Daragahi, 2014). از میزان دقیق هزینه‌های ایران، عربستان، ترکیه، قطر و امارات متحده عربی برای تقابل یا حمایت از داعش آمار رسمی وجود ندارد. ولی آنچه مسلم است صرف میلیاردها دلاری است که بیهوده به آتش کشیده شد که می‌توانست صرف توسعه و آبادانی منطقه شود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد چگونگی تأثیر داعش بر معادلات خاورمیانه تبیین شود. برای این منظور از نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک استفاده شد. از جمله مؤلفه‌های مثبت این تئوری می‌توان به کاربردی بودن آن در تحلیل سیاست خارجی کشورها اشاره نمود. زیرا برخلاف تئوری واقع‌گرایی و نواقع‌گرایی در کنار تحلیل ساختاری به مؤلفه‌های دیگری همچون ساختار دولت و فهم رهبران از نظام بین‌الملل نیز تکیه دارد. معتقدند در تحلیل سیاست بین‌الملل باید از نگاهی جامع و سیستمی استفاده کرد. اما این نگاه در کنار عناصر ساختاری باید به عوامل ذهنی و غیر ساختاری هم چون برداشت‌های رهبران را نیز دربرگیرد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۲۹). اینکه رهبران کشورهای مختلف چه برداشتی از داعش و پیامدهای آن داشته باشند بر عکس‌العمل آن‌ها تأثیر می‌گذارد. علی‌رغم اینکه کشورهای عربی به‌ویژه عربستان تصور می‌کردند داعش را می‌توانند مانند حزب‌الله نماینده خود در منطقه تحت نفوذ مقاومت دریابورند و از نفوذ ایران در این مناطق بکاهند اما داعش از طرفی برای غلبه و پیروزی در میدان نبرد به استراتژی ایجاد حداکثر وحشت و خشونت روی آورد. اما در کنار موفقیت میدانی این استراتژی در بعد بین‌المللی و افکار عمومی جهانی موجب شکل‌گیری مطالبه عمومی و جهانی برای برخورد با داعش شد، که عملاً دست حامیان داعش را تا حدود زیادی بست و به نفع جبهه مقاومت شد. در مجموع داعش با شکست در عرصه افکار عمومی جهانی و نیز شکست‌های میدانی حاصل از اتحاد نیروهای ایرانی با دولت‌های سوریه و عراق و نیز کمک موثر حزب‌الله لبنان نشان داد قابلیت حمایت شدن توسط غرب و اعراب سلفی در عوض اجرای خواسته‌های حامیان خود را ندارد. داعش موجب نزدیکی ایران و روسیه شد. همچنین موجب فشار آمدن بر محور مقاومت شد. زیرا نیرویی که می‌توانست جهت رویارویی با رژیم غاصب اسرائیل استفاده شود تا حدود زیادی در جنگ با داعش تحلیل رفت. در کنار این داعش موجب افزایش اختلافات بین کشورهای منطقه‌ای به‌ویژه ایران، ترکیه و عربستان شد و عملاً اهرم جنگ نیابتی عربستان و متحدینش با ایران شد. همچنین داعش زمینه را برای گسترش خواسته‌های جدایی‌طلبانه کردها فراهم آورد و نیز موجب گسترش شکاف در بین کشورهای اسلامی و نفرت بین مسلمانان، کشته شدن تعداد زیادی مسلمان، آسیب جدی به زیرساخت‌های اقتصادی عراق و سوریه و ضربه به روند توسعه این کشورها شد که در چند دهه اخیر با اجرای برنامه‌های مختلف در تلاش برای بهبود روند سازندگی خود بودند. هزینه‌های جنگ بسیار زیاد است. این هزینه‌ها می‌توانست صرف رشد اقتصادی، رونق صنعت و کاهش بیکاری و فقر در کشورهای خاورمیانه شود. ولی در حال حاضر شاهد تحلیل رفتن منابع مالی این کشورها و عقب افتادن آن‌ها از روند توسعه اقتصادی و صنعتی هستیم.

منابع و مأخذ

تحلیل تاثیر داعش بر معادلات سیاسی امنیتی خاورمیانه/۴۹

- اویسی، هادی (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی استان کرمان)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و یکم، شماره یکم، بهار ۱۳۹۵، شماره ۱۲۰، صص ۱۸۴-۱۶۹.
- بخشی، شیخ احمد، بهاری، بهنام (۱۳۹۳)، بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری- وهابی دولت اسلامی شام و عراق، (داعش)، فصلنامه علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره شصت و چهارم، صص ۱۳۳-۱۵۴
- برزگر، کیهان (۱۳۹۵)، لزوم ترجیح منافع ژئواستراتژیک بر یارگیری‌های ایدئولوژیک، برگرفته از سایت دیپلماسی ایرانی به آدرس: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page>
- شادمهری، فاطمه، زرقانی، هادی، خوارزمی، علی (۱۳۹۵)، تحلیل ملاحظات پدافند غیرعامل در زیرساخت‌های شهری با تأکید بر زیرساخت آب، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و یکم، شماره سوم، شماره پیاپی ۱۲۲، صص ۱۱۷-۱۰۳
- فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۰)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، تهران.
- کالجی، ولی (۱۳۹۰)، اهداف و منافع مشترک ایران و روسیه در صحنه تحولات سوریه برگرفته از سایت IPSC-مرکز بین‌المللی مطالعات صلح به آدرس: <http://peace-ipsc.org/fa/%D8%A7%D9%87%D8%AF%D8%A7%D9%81-%D9%88>
- لشگری تفرشی، احسان (۱۳۹۵)، تبیین چگونگی نفوذ جغرافیایی اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران در خاورمیانه از طریق تئوری پخش، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و یکم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۱۲۱، صص ۷۶-۸۶
- مرادی نیاز، فاتح، صالحی، جواد، (۱۳۹۴)، پیامدهای ظهور داعش بر ژئوپلیتیک خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱، صص ۱۰۳-۱۲۷
- مشیر زاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سمت.
- مظاهری، محمد مهدی، ملایی، اعظم (۱۳۹۴)، نقش فرقه‌گرایی در عقب‌ماندگی تمدنی مسلمانان (مطالعه موردی گروه داعش)، برگرفته از سایت پایگاه اطلاع‌رسانی دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت به آدرس: <http://www.dmsonnat.ir>
- منصوری، محمدحسین، (۱۳۹۲)، بررسی مواضع و اهداف روسیه در سوریه، فصلنامه پژوهش‌های علوم انسانی، سال پنجم، شماره ۳۱، صص ۱۹۵-۱۷۵.
- ناصر پور، حسن (۱۳۹۴)، داعش و ژئوپلیتیک مقاومت اسلامی، موسسه نداء، فصلنامه مطالعات فلسطین، شماره ۲۶، صص ۴۹-۸۰
- نجات، سید علی (۱۳۹۴)، گروهک تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها، فصلنامه سیاست، سال دوم، تابستان ۱۳۹۴، شماره ۶، صص ۱۱۹-۱۰۳
- نیاکویی، سید امیر، ستوده، علی اصغر (۱۳۹۴)، تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر مجموعه امنیتی خاورمیانه (۲۰۱۱-۲۰۱۵)، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۵، دوره چهارم، صص ۱۷۷-۱۵۴.
- Abu-Nasr, D. (2015), Syria's Refugees Feel More Welcome in Europe Than in the Gulf, September 4, 2015, Vol. 5, No. 1, pp. 49-67
- Bershidsky, L. (2015), Why Don't Gulf States Accept More Refugees?, Vol. 2, No. 3, pp. 83-94
- Foley, J. (2014), Islamic State Militants Claim to have killed US journalist James Foley, the Guardian News, <https://www.theguardian.com/world/2014/aug/19/james-wright-foley-beheaded-isis-video>
- Bolton, J. (2017), US Should Support Kurdish Aspir, huffingtonpost, <http://defensenews-alert.blogspot.com/2016/07/john-bolton-iraq-has-collapsed-us.html>
- Embassy of The United Arab Emirates (2015), Syrian Refugee Crisis – UAE Contribution, <http://uae-embassy.org/syrian-refugee-crisis-%E2%80%93-uae-contribution>
- Lanchovichina, E., Ivanic, M. (2015), Economic Effects of Syrian war and the spread of the Islamic state on the levant, the world Bank Group, 10th Defence and Security Economics Workshop, Carleton University, Ottawa, Canada. 6th Novemmer, <http://www.worldbank.org/en/region/mena/publication/economic-effects-of-isis>
- Gower, M., Politowski, B. (2016), Syrian Refugees and the UK Response, Commons Library Briefing, www.parliament.uk/commons-library
- Ozyurek, E. (2009), Comparative Studies in Society and History, Published by Cambridge University Pub. Vol. 51, No. 1, pp. 91-116.
- Rose, G. (1998), Neoclassical Realism and Theoris of Policy, Word Politics, Vol, 51.
- Taliaferro, J. (2009), Neoclassical Realism, the State, and Forein Policy, Cambrige University Pub.
- Yılmaz ,G. (2013), Bilingual Language Development Among the First Generation Turkish Immigrants in the Netherlands, Vol.1, No. 1, pp.1-159,
- UNHCR (2016), UNHCR Syria Regional Refugee Response -Turkey, UNHCR Syria Regional Refugee Response, Retrieved 2016-03-10, <http://data.unhcr.org/syrianrefugees/country.php?id=224han-in-the-gulf>

- UNHCR (2016), UNHCR Syria Regional Refugee Response/ Iraq, UNHCR. 31 December 2015, Retrieved 17 January 2016, <https://data.unhcr.org/syrianrefugees/country.php?id=103>
- UNHCR (2016), UNHCR Syria Regional Refugee Response, UNHCR Syria Regional Refugee Response. Retrieved 2016-02-21, <http://data.unhcr.org/syrianrefugees/country.php?id=122>
- UNHCR (2016), UNHCR Syria Regional Refugee Response, UNHCR Syria Regional Refugee Response. Retrieved 2016-02-21, <http://data.unhcr.org/syrianrefugees/country.php?id=8>
- Theguardian (2015), Sunni-Shiawhy the Conflict is More Political than Religious, <https://www.theguardian.com/world/2015/apr/05/sunni-shia-why-conflict-more-political-than-religious-ectarian-middle-east>
- UNHCR (2016), UNHCR Syria Regional Refugee Response Retrieved 2016-03-10, <http://www.unhcr.org/partners/donors/54918efa9/regional-refugee-resilience-plan-2015-2016-response-syria-crisis.html>
- UNHCR (2015), Kuwait Extends Residency Permits for Syrians, from: <http://gulfnews.com/news/mena/syria/kuwait-extends-residency-permits-for-syrians-1.1577117%D9%81%D8%B9-%>